

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

تألیف: دکتر سید علی حسینی - تهران - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

۷۸۷۱

۸۷۱۱۲۷

اسلام

و جهانی شدن

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

مجله علمی و ادبی - ۵۰۹۱ - ۱۳۹۱

حسینی شیرازی، محمد، ۱۳۰۵ - ۱۳۸۰

اسلام و جهانی شدن / مؤلف محمد حسینی شیرازی؛ مترجم عبدالحسین هراتی. - قم :

یاس زهرا، ۱۳۸۷

ISBN: 978-694-2843-29-9 ریال: ۴۰۰۰۰

۳۳۲ ص. : مصور، عکس، نقشه

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه بصورت زیرنویس

۱. جهانی شدن - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. جهانی شدن. ۳. اخلاق اسلامی. ۴. اسلام و

سیاست. ۵. اسلام و اقتصاد. الف. هراتی، عبدالحسین، مترجم. ب. عنوان

۲۹۷/۴۸

۵ الف ح ۵ / BP ۲۹۹

۱۳۸۷



نام کتاب: اسلام و جهانی شدن

مؤلف: آیت‌الله العظمی سیدمحمدحسینی شیرازی

مترجم: عبدالحسین هراتی

کنترل و ویرایش: مهدی محمدزاد

صفحه آرا: سجاد ناصری

زیر نظر: گروه ترجمه آثار آیت‌الله العظمی شیرازی

ناشر: یاس زهرا

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: بهار ۱۳۸۷

چاپخانه: سیمای کوثر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۴۳-۲۹۹-۹

کلیه حقوق طبع و نشر برای بنیاد جهانی آیت‌الله العظمی شیرازی محفوظ است.

www.iswf.net

مراکز پخش:

۱- ۰۲۵۱-۷۸۳۶۴۲۰۵-۹۱۲-۲۵۱-۰۵۲۶

۱- دفتر یاس زهرا

۰۲۵۱-۷۷۴۶۵۶۷۵-۹۱۲-۷۵۰-۷۲۹۴

۲- دفتر ابتکار دانش

۶۵	
۶۶	
۶۷	
۶۸	
۶۹	
۷۰	
۷۱	
۷۲	
۷۳	
۷۴	
۷۵	
۷۶	
۷۷	
۷۸	
۷۹	
۸۰	
۸۱	
۸۲	
۸۳	
۸۴	
۸۵	
۸۶	
۸۷	
۸۸	
۸۹	
۹۰	
۹۱	
۹۲	
۹۳	
۹۴	
۹۵	
۹۶	
۹۷	
۹۸	
۹۹	
۱۰۰	

جهانی شدن و عناصر آن	۵۹
جهانی شدن و رسالت جهانی اسلام	۶۰
جهانی شدن و حقوق بشر	۶۴
حقوقی رفیع و در خور شأن و کرامت انسان	۶۵
مطالبه حقوق بشر	۶۶
مسلمانان و جهانی شدن غربی (جهانی سازی)	۷۰
شهم مسلمانان از جهانی شدن	۷۱
کشورهای اسلامی و جهانی شدن اقتصاد	۷۳
آثار جهانی شدن در کشورهای اسلامی	۷۳
موضع ما در برابر جهانی شدن	۷۶
رویارویی با جهانی شدن اقتصاد غربی	۷۹
خکومت‌ها؛ عامل ضعف مسلمانان	۸۴
جهانی شدن و تن دادن به آن	۸۵
تفاوت میان دو نظریه جهانی شدن (اسلامی و غربی)	۸۶
جهانی شدن اسلامی و مهمترین ویژگی‌های آن	۸۹
مشترکات دو دیدگاه جهانی شدن	۹۲
جهانی شدن اسلامی؛ ضرورتی حیاتی	۹۳
بازار جهانی اسلامی	۹۴
سختی بایسته	۹۵
عوامل پایداری جهانی شدن	۹۸
	۷۵

فصل دوم: جهانی شدن غربی در بونۀ نقد.....	۱۰۱
ریشه‌های جهانی شدن غربی.....	۱۰۳
جهانی شدن غربی، و چند پرسش.....	۱۰۶
جهانی شدن سیاسی غربی.....	۱۰۹
جهانی شدن اقتصاد غربی.....	۱۱۱
تداخل جهانی شدن اقتصاد و سیاست.....	۱۱۲
جهانی شدن و نظام جدید جهانی.....	۱۱۳
اقتصاد آمریکا پس از جنگ جهانی.....	۱۱۷
جهانی شدن به مفهوم معاصر.....	۱۱۹
فرهنگ جهانی شدن غربی و جهانی سازی فرهنگی.....	۱۲۰
جهانی شدن غربی و رشد اقتصادی.....	۱۲۲
ابزارهای جهانی شدن غربی.....	۱۲۳
اسرائیل یکی از ابزارهای جهانی شدن غربی.....	۱۲۵
توطئه‌های غرب بر ضد مسلمانان.....	۱۲۶
جایگاه زن در جهانی شدن غربی.....	۱۲۸
جهانی شدن غربی و نکات منفی آن.....	۱۳۱
نتایج جهانی شدن غربی.....	۱۳۳
فجایی که جهانی شدن غربی به بار آورده و خواهد آورد.....	۱۳۴
جهانی شدن غربی، جهانی شدنی ناقص.....	۱۳۷
جلوگیری از انتقال نیروی انسانی.....	۱۳۸
در چارچوب قرار دادن توانایی‌های نامحدود.....	۱۳۳
.....	۱۳۸

بخش دوم: نگاهی کوتاه به نظامات اجتماعی اسلام	۵۲۶
فصل اول: روابط و مناسبات اجتماعی	۵۲۶
روابط و تعاون اجتماعی	۵۲۷
عناصر جهانی شدن مطلوب	۵۲۷
پیکره واحد	۵۳۷
کمال ایمان	۵۳۶
بر آوردن نیاز دیگران	۵۳۶
آداب معاشرت	۵۳۶
رعایت حقوق دیگران	۵۳۶
دوستی و آداب آن	۵۳۸
همنشینی و احکام آن	۵۳۶
مشورت و مشاوره کردن	۵۳۷
حقوق متقابل	۵۴۰
حرمت آزار	۵۴۲
ممنوعیت غیبت	۵۴۶
حرمت بهتان و اتهام	۵۴۶
آراسته بودن نزد برادر مؤمن	۵۴۲
گرامی داشتن میهمان	۵۴۷
حسن همجواری	۵۴۹
عیادت بیمار	۵۴۶
خود و خانواده خود را نجات دهید	۵۴۶
آداب ازدواج	۵۵۲

۲۲۵	ازدواج و بنای خانواده	۲۲۵
۲۲۶	پاکدامنی	۶۸۱
۲۲۷	چشم فرو بستن	۶۸۱
۲۲۹	نفی اختلاط حرام	۶۸۱
۲۳۱	حقوق زن	۶۰۲
۲۳۱	تلاش در بهتر کردن زندگی خانواده	۶۰۲
۲۳۲	با خانواده و فرزندان	۶۰۲
۲۳۳	تربیت فرزندان	۵۰۲
۲۳۴	نیکي به پدر و مادر	۶۰۲
۸۰۲	۸۰۲	
۲۳۷	فصل دوم: جهانی شدن فرهنگ از نظر اسلام	۲۳۷
۲۳۹	در جست و جوی دانش	۲۳۹
۲۴۰	آزادی فرهنگ و دانش	۲۴۰
۲۴۱	مدارس و مراکز فرهنگی	۵۱۲
۲۴۲	آداب تعلیم و تربیت	۶۱۲
۲۴۳	آموزش مسائل اخلاقی	۷۱۲
۲۴۵	پاسخ آگاهانه	۸۱۲
۲۴۶	حسن نیت	۶۱۲
۶۱۲	۶۱۲	
۲۴۷	فصل سوم: سیاست و حکومت	۲۴۷
۲۴۹	جهانی شدن در سیره نبوی	۲۴۹
۲۵۰	نامه پیامبر ﷺ به هراکلیوس (امپراتور روم)	۲۵۰

۷۱۰	نامه پیامبر ﷺ به کسری	۲۵۰
۷۱۱	نامه پیامبر ﷺ به نجاشی	۲۵۱
۷۱۲	نامه پیامبر ﷺ به نجاشی دوم	۲۵۱
۷۱۳	نامه پیامبر ﷺ به مقوقس (پادشاه مصر)	۲۵۲
۷۱۴	نامه (دیگری از) پیامبر ﷺ به پادشاه مصر	۲۵۳
۷۱۵	نامه پیامبر ﷺ به حاکم دمشق	۲۵۳
۷۱۶	نامه پیامبر ﷺ به پادشاه بحرین	۲۵۳
۷۱۷	نامه پیامبر ﷺ به پادشاه یمامه	۲۵۴
۷۱۸	نامه پیامبر ﷺ به دو پادشاه عمان	۲۵۴
۸۸۲	اسلام مکتبی کامل و همه جانبه	۲۵۷
۷۱۹	جهانی شدن صلح	۲۵۹
۷۲۰	اسلام دین یگانه و پیوسته تاریخ	۲۵۹
۷۲۱	امر به معروف و نهی از منکر	۲۶۲
۷۲۲	شورا	۲۶۴
۷۲۳	تکثر سیاسی	۲۶۵
۷۲۴	آزادی های اساسی	۲۶۵
۷۲۵	حرمت اشخاص و اموال	۲۶۶
۷۲۶	نهی خشونت و تروریسم	۲۶۷
۷۲۷	حرمت تجسس	۲۶۹
۷۲۸	حقوق سیاسی	۲۷۰
۷۲۹	حرمت شکنجه	۲۷۱
۷۳۰	اینگونه اعتراف گرفته می شود	۲۷۲

- ۵۲ ... آنان را نرنیدند. ... ۲۷۶
- ۵۳ ... حرمت ظلم ... ۲۷۷
- ۵۴ ... وظایف حاکم و حکومت ... ۲۷۹
- ۵۵ ... چه می‌پندارید؟ ... ۲۷۹
- ۵۶ ... رفتار پیامبر ﷺ با عکرمه بن ابی لهبه ... ۲۸۰
- ۵۷ ... با اسیران صفین ... ۲۸۳
- ۵۸ ... اداره کشور ... ۲۸۳
- ۵۹ ... حرمت خیانت ... ۲۸۵
- ۶۰ ... حسن تعامل حتی با دشمنان ... ۲۸۷
- ۶۱ ... تعامل با اقلیت‌های دینی ... ۲۸۸
- ۶۲ ... حسن تعامل با همه کشورها ... ۲۹۰
- ۶۳ ... نفی اجبار ... ۲۹۳
- ۶۴ ... عفو و گذشت، سرشت اسلام ... ۲۹۴
- ۶۵ ... حرمت جان انسان‌ها ... ۲۹۵
- ۶۶ ... احترام نمایندگان و هیأت‌های سیاسی ... ۳۰۱
- ۶۷ ... رهبر اسلامی ... ۳۰۲
- ۶۸ ... با مخالفان سیاسی ... ۳۰۵
- ۶۹ ... نزاهت حکومت ... ۳۰۸
- ۷۰ ... سیاستمداران و زندگی ساده و زاهدانه ... ۳۱۰
- ۷۱ ... الگوپذیری حاکمان از امامان معصومین علیهم‌السلام ... ۳۱۷
- ۷۲ ... نفی جنگ ... ۳۲۰
- ۷۳ ... اسیران جنگی ... ۳۲۲

قوانین جهانی اسلام.....	۳۲۳
موزهای جغرافیایی.....	۳۲۵
حفاظت از محیط زیست.....	۳۲۶
.....	۳۲۷
فصل چهارم: اقتصاد.....	۳۲۷
اقتصاد.....	۳۲۹
مبارزه با فقر و محرومیت.....	۳۳۰
آزادی اقتصادی.....	۳۳۱
مالکیت فردی.....	۳۳۲
بدهی‌های مردم و مسئولیت حکومت‌ها.....	۳۳۴
بیت‌المال در خدمت مردم.....	۳۳۵
پاکیزگی بیت‌المال.....	۳۳۶
تحرمت خیانت در بیت‌المال.....	۳۳۷
مصارف بیت‌المال.....	۳۳۹
تحقوق اقتصادی فرد و جامعه.....	۳۴۰
آداب خرید و فروش.....	۳۴۲
یادگیری احکام.....	۳۴۳
قیمت یکسان.....	۳۴۴
آسان گرفتن در خرید و فروش.....	۳۴۵
کم‌تر بگیر و زیادتر بده.....	۳۴۸
فسخ معامله.....	۳۴۸
تحرمت حيله و تزوير.....	۳۴۹

۳۶۱	قسیم خوردن در معامله
۳۶۲	حرمت احتکار
۳۶۶	معاملات ربوی
۳۶۸	ربا خواری
۳۷۰	اشتغال در معاملات ربوی
۳۷۱	استحباب قرض
۳۷۳	قرار دادن شرط در قرض
۳۷۵	تجریمه دیر کرد
۳۷۵	قرضت دادن به بدهکار
۳۸۰	تمسکات دین
۳۸۲	ادای دین
۳۸۳	کار کردن برای پرداخت قرض
۳۸۳	تأمین هزینه زندگی خانواده
۳۸۶	معاملات و شغل های مکروه
۳۹۱	معاملات حرام
۳۹۲	نجس العین
۳۹۴	مست کنند ها و مواد مخدر
۳۹۵	فروش کالای نجس شده
۳۹۵	از دیگر کسب های حرام
۳۹۶	فساد و افساد
۳۹۶	مراکز اشاعه منکر
۳۹۷	اشاعه فحشا و کتب گمراه کننده

۳۹۸	تولید و خرید و فروش وسایل شکنجه
۳۹۸	تجارت وسایل جاسوسی
۳۹۹	قصد و نیت حرام
۳۹۹	وسایل لهو و لعب
۴۰۰	قمار
۴۰۲	سلاح‌های کشتار جمعی
۴۰۳	غصب و مصادرة اموال
۴۰۵	خرید و فروش کالای فاقد ارزش مالی
۴۰۶	خرید و فروش اموال وقف شده
۴۰۷	اسراف و تبذیر
۴۱۰	پایین آوردن تولید
۴۱۱	سلطه ظالمانه اقتصادی
۴۱۱	انحصار امتیازات تجاری
۴۱۱	قوانینی که موجب فقر می‌شود
۴۱۱	قاعده لا ضرر ولا ضرار
۴۱۲	خوردن مال به ناروا
۴۱۳	صرف مال در باطل
۴۱۳	مالیات‌های غیر شرعی
۴۱۴	محدود کردن کسب و کار
۴۱۴	نرخ‌گذاری کالاها
۴۱۵	معاهدات ضد اسلامی
۴۱۵	سازمان‌های تروریستی و کمک مالی به آنها

۸۶۶	به بردگی کشیدن فرد و جامعه	۴۱۵
۸۶۶	بهره‌کشی از انسان	۴۱۶
۸۶۶	پنجشنبه و شنبه	
۶	فصل پنجم: جهانی شدن و قضاوت	۴۱۳
۲۰۶	قضا و قضاوت	۴۱۹
۲۰۲	قوانین مجازات	۴۲۱
۲۰۶	عدم اجرای حدود در این زمان	۴۲۶
۵۰۶	شبهه سبب ساقط شدن حد	۴۲۷
۲۰۶	قصاص قبل از جنایت؟ هرگز!	۴۳۱
۷۰۶	سبب و سبب	
۱۰۶	تبايع الناس الى دينهم	
۱۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۱۱۴	رجوع مسلمانان از اسلام	
۱۱۴	رجوع مسلمانان از اسلام	
۱۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۱۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۲۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۶۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۶۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۶۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۶۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۵۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	
۵۱۶	رجوع مسلمانان از اسلام	

در این مقاله به بررسی مفهوم جهانی شدن و تأثیرات آن بر نظام بین‌الملل و اقتصاد جهانی پرداخته می‌شود. در ابتدا به تعاریف و مبانی مفهوم جهانی شدن پرداخته می‌شود و سپس به بررسی علل و عوامل مؤثر بر این پدیده پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی تأثیرات جهانی شدن بر نظام بین‌الملل و اقتصاد جهانی پرداخته می‌شود و در نهایت به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو در این زمینه پرداخته می‌شود.

مقدمه مرکز مطالعات و تحقیقات آیه الله العظمی شیرازی

موضوع جهانی شدن سرفصلی است جدید که به یک مرتبه در سپهر ادبیات معاصر جهان پیدا شده و اندیشه‌های بسیاری را به خود معطوف داشته است. این موضوع، تنها در سطح محیط‌های دانشگاهی باقی نمانده و گستره و جریان‌های مختلف فکری و سیاسی و ارتباطات را فرا گرفته است. گزافه نیست اگر گفته شود بحث درباره جهانی شدن به سبیلی می‌ماند که همه حوزه‌های ادبیات معاصر از اقتصاد و سیاست گرفته تا امور بین‌الملل و جامعه‌شناسی، فلسفه، تبلیغات، هنر و حتی حوزه‌های مربوط به محیط زیست و علوم طبیعی را در بر گرفته است.

جهانی شدن، همان‌گونه که از معنای لغوی آن آشکار است، دارای مفهومی متحرک است که در ذات خود بر تحول و تغییر دائم دلالت دارد، بدین معنی که وقتی گفته می‌شود نظام اقتصاد جهانی یا جهانی شدن نظام سیاسی و یا جهانی شدن فرهنگ، منظور خارج شدن این حوزه‌ها از محدوده ملی است تا خود را در عرصه جهانی و با دیگر نظام‌ها در چارچوب جهانی شدن همسو کند و از این رو مرزهای ملی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی از میان برداشته می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت جهانی شدن آمیختگی آشکار امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ملت‌ها و دولت‌هایی است که دارای قدرت در محدوده‌های خاصی از جغرافیا هستند و در این میان، جایگاهی

چندان محکم برای مرزها باقی نمی‌ماند. جهانی شدن در واقع به معنای مصطلح آن، جدا کردن توده‌های مردم از گرایش‌های ملی و قومی و دینی و اجتماعی و سیاسی خاصی است که در حوزه‌های ملی وجود دارد. از منظری دیگر می‌توان آن را این گونه معنی کرد: جهانی شدن ورود به مرحله‌ای خاص از تحول تاریخی نظام سرمایه‌داری جهانی است.

علمای تاریخ می‌گویند: جهانی شدن پدیده‌ای جدید نیست، بلکه با آغاز عصر استعمار اروپا در آسیا و آفریقا و آمریکا و آمریکای لاتین شروع شده است. این مرحله به مناسبات جدید تجاری در اروپا متصل می‌شود؛ همان مناسباتی که در نهایت نظام دزد هم آمیخته و پیچیده جهان کنونی را بوجود آورده و امروز شمار کثیری از اندیشوران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی و فلاسفه آن را ترویج می‌کنند و به سنوی آن فرا می‌خوانند: بحث دربارهٔ جهانی شدن، گفتگو دربارهٔ پدیده‌ای واحد است، اما دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاد و جامعه‌شناسی و فلسفه هر یک از منظر تخصص و گرایش خود به این مسأله می‌نگرند، به گونه‌ای که گاه هیچ شباهتی میان مسائل مطرح شده یافت نمی‌شود، زیرا قاعده بر این است که هر متفکری تحقیق و بزرسی خود را بر اساس تخصص خویش بر روی هر پدیده‌ای متمرکز می‌کند. البته جهانی شدن دارای ابعاد گوناگون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ارتباطی است که تا حدی به صورت موضوعی تخصصی درآمده است، و شاید کمتر نویسنده و مرجعی دینی را بتوان یافت که پس از بررسی این موضوع از نگاه فقهی، دیگر جنبه‌های علمی و تحلیلی آنرا مورد بررسی قرار دهد.

به همین دلیل کتاب حاضر در این مورد یک استثنا محسوب می‌شود، چرا که مرحوم آیه‌الله العظمی سید محمد شیرازی رحمه‌الله با دیدی عمیق و احاطه کامل بر جنبه‌های مختلف جهانی شدن، این موضوع را به دقت مورد بررسی قرار داده‌اند، به گونه‌ای که طرح این

مسئله از دید یک مرجع دینی، به هیچ روی ناقض عمق و وسعت تحلیل هوشمندانه ایشان نسبت به زوایای پنهان آن نگردیده است. از آن جا که امروزه علمای اقتصاد و صاحبان تکنولوژی مسئله جهانی شدن را به کلی تحریف کرده و افق شناخت جهانیان را درباره این موضوع تنگ نموده و آن را تا سرحد سطحی نگری و تبلیغاتی تنزل داده اند، لذا به چنین دیدگاه و متونی به شدت نیازمندیم. *در هر حال، به زودی در متن اصلی کتاب ملاحظه خواهید کرد که آیه الله العظمی شیرازی به مجموعه ای از مسائل که در فهم جهانی شدن بایسته است، از دیدگاه فرهنگ و تمدن اسلامی اشاره می کنند؛ مسائلی که بسیار جای تأمل و تفکر دارند. این دیدگاه قطعاً با آنچه امروز از رسانه های جمعی جهان و غالباً به صورتی فریبکارانه تبلیغ می شود، متفاوت است.*

نخستین موضوع مطرح شده در این کتاب این است که جهانی شدن صحیح، هدفی است انسانی، که قطعاً باید به بسط و گسترش آن پرداخت و راه دیگری جز وارد شدن و مشارکت در این بایسته تاریخی، در مقابل بشر گشوده نیست. البته با توجه به این مسئله که ورود در این حیطه، امروز آغاز نشده است، بلکه دعوت به جهانی شدن و ورود در این مسیر از زمان بعثت پیامبران اولوالعزم آغاز گردیده و بالاترین جلوه و اوج تکامل آن در بعثت حضرت محمد مصطفی (ص) بروز و تبلور یافته است. دین اسلام نخستین سنگ بنای آرمان شهر جهانی را در گذرگاه تکامل بشر گذارده و آن را تبلیغ کرده و به جانب آن دعوت نموده است؛ زیرا خداوند سبحان انسان را بدین سو هدایت کرده و فطرت او را بر این اساس قرار داده و نظام و مناسباتی برای او مقرر داشته که در ذات خود خصلت فراگیر و جهانی در فکر و فرهنگ و اقتصاد و سیاست را حمل می کند و از همین نقطه مفهوم جهانی شدن اسلامی شکل می گیرد.

برای نخستین بار اسلام این مسأله را (البته شکل صحیحش را) طرح کرده و بر پایه این مفهوم، نظام اقتصادی خود را بنیان گذارده است. همچنین نخستین بار اسلام لوازم و عناصر این مفهوم را طرح کرده، اساس آن را بنیان گذارده، پایه‌های نظری و عملی آن را استحکام بخشیده است و رسول بزرگوار اسلام و پس از وی اهل بیت علیهم‌السلام در ترویج و تحقق بخشیدن به این آرمان اسلامی و نظام اقتصادی آن کوشیده‌اند و محدوده‌های مسیر و نشانه‌های راه را تبیین کرده، فراوی ما قرار داده‌اند و به امر خداوند برای ما دین واحد و معبود واحد و کتاب واحد و اقتصاد واحد و تاریخ واحد و قبله واحد و سنت واحد و شریعت واحد و زبان واحد و مشترک آورده‌اند. تا همه این‌ها زمینه‌هایی شود برای تحقق بخشیدن به خانواده واحد جهانی و خانه جهانی واحد.

هدف پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام بنای جامعه جهانی توحیدی بوده است؛ جامعه‌ای که با حکمت متعالی به میراث مانده از آن ستارگان درخشان عالم بشری، جهان را در سایه مهر و تحت حمایت عدالت خویش قرار دهد، اما افسوس و صد افسوس که حاکمان جائز و ستمگر بر جایگاه آن رسول پاک فرا آمدند و دستاوردهای ایشان را به نفع خود مصادره کردند و تا آن جا که توانستند دین او را دستخوش تحریف و خلق را از آرمان مهر گستر و عدالت جهانی او محروم نمودند.

حقیقت امر این است که رسالت اسلام جهانی است، چرا که اسلام تنها برای عرب نیامده و قرآن فقط کتابی برای قبیله قریش نبوده است. خداوند متعال با تصریح به این موضوع، رسول گرامی و رسالت او را چنین توصیف می‌کند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

در جای دیگر، قرآن را دستوری آسمانی برای اهل زمین خواننده، در توصیف آن

می فرماید: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ!» آن [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست». از همین جایگاه است که سخن گفتن درباره جهانی شدن از منظر اسلام بحث و بررسی بسیار عمیقی می طلبد؛ چیزی که اسلام از همان زمان آغاز نبوت آن را طرح کرده است. مسأله جهانی شدن از همان زمانی که آفتاب عالمگیر و عدالت گستر دین توحید بر جهان درخشید، اعلام شد. دعوتی از سرِ مهر برای همه مردم «للناس» و نه طبقه ای خاص و نه برای استثمارگران و صاحبان بانک ها که جز منافع خویش را نمی بینند و جز در جهت منافع خود عمل نمی کنند. بسیاری از سخنان نقل شده از پیامبر ﷺ و اهل بیت  پایه های نظری جهانی شدن از منظر اسلامی را تبیین می کند و مخاطب این دعوت را کل جهان، بدون هیچ مرز و نژاد و استثنائی می بینند؛ به خصوص احادیثی در مورد به هم پیوستن و ارتباط و دوستی متقابل اجتماعی و مهرورزیدن مردم به یکدیگر و تحول جامعه انسانی بزرگ و پراکنده و درستی، به خانواده ای کوچک، از طرف ائمه  بیان شده که مؤید این نظریه است؛ خانواده واحدی که مهر و محبت و رحمت و احسان، بر آن سایه انداخته باشد. این موضوع را به روشنی در نامه هایی که پیامبر اکرم ﷺ برای زهبران جهان در آن روزگار فرستاده است، مشاهده می کنیم. پیامبر ﷺ در آن نامه ها آنان را به سوی اسلام دعوت می کند تا دنیا و آخرت خود را نجات دهند و آنان را از عاقبت سرپیچی و طغیان و خودکامگی می ترساند و پرهیز می دهد و به آنان گوشزد می کند که اگر طریق فساد و خودکامگی را برگزینند و دست از کفر خویش نکشند همه انحرافات و گناهایی که مردم مرتکب می شوند و همه ظلم هایی که در اجتماع شان رخ می دهد به عهده آنان خواهد بود و بار تمام آن انحرافات و گناهان را باید به تنهایی بر دوش کشند. آن حضرت آنان را به

پیوستن به خانواده واحد و اندیشه آزادی بخش توحید و به خانه واحد که همان خانه عدالت و مهر است فرامی خوانند.

۴. پیامبر ﷺ افزون بر عبارات ادبی و کلامی که در نامه های خود به کار برده بود، ابعاد تبلیغی و اهداف سیاسی را نیز لحاظ داشت که نتیجه آن، پیروزی اسلام و بسط حاکمیت عدالت خواه و نفوذ حکیمانه آن در تمام نقاط زمین شد. از همین جاست که باید بر جهانی بودن دعوت اسلام و خلاصه شدن روح این رسالت در شعار توحید «لا اله الا الله» که راز جاودانگی و برتری و گسترش اسلام است، تأکید نمود؛ شعاری که بی گمان اساس اندیشه و ایدئولوژی اسلامی بر آن قرار گرفته و هم این شعار جاویدان است که با حمل زیباترین و پر قدرت ترین عوامل جهانی شدن، عامل انتشار سریع اسلام در افق های تاریخی متصل به یکدیگر و در میان ملت های متمدن و سرزمین های آباد و نسل های پی در پی بوده است. پرواضح است که گسترش دامنه اسلام و اشتیاق و تمایل جوامع نسبت به آن، مصداقی بارز از جهانی شدن اسلامی است که در همه ابعاد فکری، فرهنگی، دینی، عبادی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیگر ابعاد زندگی بشری، ارتباطی تنگاتنگ با آفرینش و نوع ساختار وجودی انسان برقرار کرده است. و پیامبر گرامی اسلام ﷺ به امر خدای متعال پایه های آن را با پیراستن از انحرافات اجتماعی و کج رویهای جاهلی، مستحکم نمود.

۵. قرآن کریم بر موضوع جهانی شدن صراحت کامل دارد و در آیات متعدد به آن فرا خوانده است، مانند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَكُمْ سُوءِيًّا وَغَيْرًا لِّتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ...»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

نیز می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ...»^۱ و تو را نفرستادیم جز برای همه مردم.

همچنین می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۲ این است امت شما که امتی یگانه است و من پروردگار شما، پس مرا بپرستید.

خدای سبحان امت اسلامی را امتی یگانه خواسته است و برای آنان فرهنگ و تمدنی ریشه دار در تاریخ و شیوه هایی نو در زندگانی و حیات و راه هایی جدید در مسائل اقتصادی و زندگی اجتماعی قرار داده است.

شاخصه های جهانی شدن اسلامی

در این جا لازم است مهم ترین شاخصه های جهانی شدن اسلامی را که آیه الله العظمی سید محمد شیرازی^۳ در این کتاب از جنبه های مختلف و در حوزه های متعدد مطرح کرده اند تبیین شود:

۱. جنبه نظری

رویکرد جهانی شدن از نظر دین اسلام، برای تهذیب نفوس و ایجاد محبت انسان ها نسبت به یکدیگر و جلب منافع برای مردم و دفع ضرر از آنان است، زیرا اسلام دینی آسمانی است و آمده تا مبانی سعادت انسان را ترسیم کند و برنامه ای ساخته و پرداخته بشر نیست.

۲. جنبه تطبیقی

بی تردید جهانی شدن اسلامی، متضمن رفاه و سعادت انسان و سعادت دنیا و آخرت

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۸۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۷۸.

۳. انبیاء، آیه ۹۲.

نوع بشر است. جهانی شدن اسلامی در میان اندیشه‌های دیگر، یگانه تفکری است که رشد، توسعه، شکوفایی، عدالت و اخلاق را یکجا و برای همه بشر می‌خواهد و نسیره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام بهترین گواه بر این حقیقت است.

۳. جنبه اقتصادی، معنوی و اخلاقی

نهی انحصار بازار و منع احتکار، وجه تمایز جوهری و شاخصه اصلی اقتصاد اسلامی است و این امر زمانی تحقق می‌یابد که مناسبات اقتصادی و تجاری در چارچوب اصول و قوانین اقتصاد اسلامی قرار گیرد. بدین ترتیب جهانی شدن اقتصاد اسلامی، تمام ملزومات تمدن، سعادت، ترقی، شکوفایی، رشد، نفی فقر و حرمان، حاکمیت قانون، امنیت، قوانین عادلانه مالی و وحدت جهانی در همه ابعاد آن به اضافه فرهنگ مترقی انسانی و قواعد اخلاقی پیشرو را در خود دارد.

ما به عنوان مسلمانان و افراد جامعه اسلامی باید از سیاست‌های اقتصادی بسته پرهیزیم و به سیاست ائتلاف اسلامی همه جانبه برای رویارویی با ائتلاف‌های غول‌های اقتصادی جهان بپندیشیم و عمل کنیم. همچنین باید از فرصت به وجود آمده استفاده نموده، وارد نظام جدید جهانی شویم و با آن به رقابت بپردازیم. به یاد داشته باشیم که این امر زمانی ممکن خواهد بود که زمینه تعاون و همکاری گسترده اقتصادی و تدوین مبانی نظری آن را در چارچوب یک نظام اقتصادی کامل و فراگیر فراهم آوریم.

همان‌گونه که در این کتاب مشاهده می‌شود، مؤلف بزرگوار در این مقام بر ضرورت تأسیس نظام جهانی و پیشرو اقتصاد اسلامی - که رفاه و شکوفایی مسلمانان و نیز ایجاد عدالت و اخلاق را دنبال می‌کند - تأکید می‌ورزد و آن را در چارچوب اصولی که در پی می‌آید مطرح می‌کند:

الف) طرح اصول اقتصادی اسلام برگرفته از قرآن و سنت نبوی و دعوت همه

اقتصاددانان به بحث و گفتگو درباره آن و گزینش بهترین راه کارها برای تطبیق این اصول با اوضاع جدید و اجرایی کردن آن در شرایط پیچیده و بغرنج جهان امروز.

از این مطلب نباید غافل شد که اقتصاد اسلامی یک بار در گذشته شایستگی خود را در نجات بشر از فقر و ایجاد رفاه اجتماعی به اثبات رسانده و امروز نیز قادر است به مطالبات و خواسته های جوامع انسانی جامه عمل بپوشاند، زیرا اسلام همان نظامی است که به وسیله وحی برای نجات اهل زمین آمده است.

ب) ضرورت وجود مرکز اقتصاد اسلامی جهانی برای ارزیابی راه کارهای اجرایی اصول اسلامی با شرایط نوین جهانی و ارائه سیاست های اقتصادی اسلام.

ج) کوشش پیگیر برای اصلاح آن دسته از سیاست های مالی و پولی و بانکی که با قوانین و سیاست های اسلامی در تعارض است و تطبیق آن ها با اقتصاد اسلامی و همچنین آزاد کردن مبادلات تجاری، مانند مبادله تکنولوژی تولید و نیروی کار در بین کشورهای اسلامی از کلیه قیود و تنگناهای مالیاتی و گمرکی، آزادی مالکیت فردی و آزادی انواع کسب در چارچوب های صحیح اسلامی.

د) تأکید بر ایجاد بازار مشترک سرمایه اسلامی و فعال شدن آن در سطح کشورهای اسلامی و ایجاد چارچوب های اجرایی و هماهنگ کردن آن ها با نوسانات حاصل در بازارهای جهانی اقتصاد، همراه با ارتقای منابع انسانی و امکانات فنی و تکنولوژیک در گستره کشورهای اسلامی.

هـ) آینده نگری و ترسیم جایگاه کشورهای اسلامی در نقشه آینده اقتصاد بین المللی، تعریف مشخص و دقیق مفهوم امنیت اقتصادی، کوشش در جهت خودکفایی و خوداتکایی در میان کشورهای اسلامی و ایجاد قدرت رقابت. شایان توجه است که رقابت تجاری و صنعتی - همان گونه که ثابت شده - از عناصر اولیه رشد فراگیر در بین

کشورهای اسلامی است و البته باید از تجربه اقتصادی دیگران در مواجهه با پدیده جهانی شدن استفاده بیشتری کرد، چرا که جهانی شدن اسلامی هدف و منحوری جز رفاه و سعادت بشری ندارد. ^۱ ^۲ ^۳ ^۴ ^۵ ^۶ ^۷ ^۸ ^۹ ^{۱۰} ^{۱۱} ^{۱۲} ^{۱۳} ^{۱۴} ^{۱۵} ^{۱۶} ^{۱۷} ^{۱۸} ^{۱۹} ^{۲۰} ^{۲۱} ^{۲۲} ^{۲۳} ^{۲۴} ^{۲۵} ^{۲۶} ^{۲۷} ^{۲۸} ^{۲۹} ^{۳۰} ^{۳۱} ^{۳۲} ^{۳۳} ^{۳۴} ^{۳۵} ^{۳۶} ^{۳۷} ^{۳۸} ^{۳۹} ^{۴۰} ^{۴۱} ^{۴۲} ^{۴۳} ^{۴۴} ^{۴۵} ^{۴۶} ^{۴۷} ^{۴۸} ^{۴۹} ^{۵۰} ^{۵۱} ^{۵۲} ^{۵۳} ^{۵۴} ^{۵۵} ^{۵۶} ^{۵۷} ^{۵۸} ^{۵۹} ^{۶۰} ^{۶۱} ^{۶۲} ^{۶۳} ^{۶۴} ^{۶۵} ^{۶۶} ^{۶۷} ^{۶۸} ^{۶۹} ^{۷۰} ^{۷۱} ^{۷۲} ^{۷۳} ^{۷۴} ^{۷۵} ^{۷۶} ^{۷۷} ^{۷۸} ^{۷۹} ^{۸۰} ^{۸۱} ^{۸۲} ^{۸۳} ^{۸۴} ^{۸۵} ^{۸۶} ^{۸۷} ^{۸۸} ^{۸۹} ^{۹۰} ^{۹۱} ^{۹۲} ^{۹۳} ^{۹۴} ^{۹۵} ^{۹۶} ^{۹۷} ^{۹۸} ^{۹۹} ^{۱۰۰} ^{۱۰۱} ^{۱۰۲} ^{۱۰۳} ^{۱۰۴} ^{۱۰۵} ^{۱۰۶} ^{۱۰۷} ^{۱۰۸} ^{۱۰۹} ^{۱۱۰} ^{۱۱۱} ^{۱۱۲} ^{۱۱۳} ^{۱۱۴} ^{۱۱۵} ^{۱۱۶} ^{۱۱۷} ^{۱۱۸} ^{۱۱۹} ^{۱۲۰} ^{۱۲۱} ^{۱۲۲} ^{۱۲۳} ^{۱۲۴} ^{۱۲۵} ^{۱۲۶} ^{۱۲۷} ^{۱۲۸} ^{۱۲۹} ^{۱۳۰} ^{۱۳۱} ^{۱۳۲} ^{۱۳۳} ^{۱۳۴} ^{۱۳۵} ^{۱۳۶} ^{۱۳۷} ^{۱۳۸} ^{۱۳۹} ^{۱۴۰} ^{۱۴۱} ^{۱۴۲} ^{۱۴۳} ^{۱۴۴} ^{۱۴۵} ^{۱۴۶} ^{۱۴۷} ^{۱۴۸} ^{۱۴۹} ^{۱۵۰} ^{۱۵۱} ^{۱۵۲} ^{۱۵۳} ^{۱۵۴} ^{۱۵۵} ^{۱۵۶} ^{۱۵۷} ^{۱۵۸} ^{۱۵۹} ^{۱۶۰} ^{۱۶۱} ^{۱۶۲} ^{۱۶۳} ^{۱۶۴} ^{۱۶۵} ^{۱۶۶} ^{۱۶۷} ^{۱۶۸} ^{۱۶۹} ^{۱۷۰} ^{۱۷۱} ^{۱۷۲} ^{۱۷۳} ^{۱۷۴} ^{۱۷۵} ^{۱۷۶} ^{۱۷۷} ^{۱۷۸} ^{۱۷۹} ^{۱۸۰} ^{۱۸۱} ^{۱۸۲} ^{۱۸۳} ^{۱۸۴} ^{۱۸۵} ^{۱۸۶} ^{۱۸۷} ^{۱۸۸} ^{۱۸۹} ^{۱۹۰} ^{۱۹۱} ^{۱۹۲} ^{۱۹۳} ^{۱۹۴} ^{۱۹۵} ^{۱۹۶} ^{۱۹۷} ^{۱۹۸} ^{۱۹۹} ^{۲۰۰} ^{۲۰۱} ^{۲۰۲} ^{۲۰۳} ^{۲۰۴} ^{۲۰۵} ^{۲۰۶} ^{۲۰۷} ^{۲۰۸} ^{۲۰۹} ^{۲۱۰} ^{۲۱۱} ^{۲۱۲} ^{۲۱۳} ^{۲۱۴} ^{۲۱۵} ^{۲۱۶} ^{۲۱۷} ^{۲۱۸} ^{۲۱۹} ^{۲۲۰} ^{۲۲۱} ^{۲۲۲} ^{۲۲۳} ^{۲۲۴} ^{۲۲۵} ^{۲۲۶} ^{۲۲۷} ^{۲۲۸} ^{۲۲۹} ^{۲۳۰} ^{۲۳۱} ^{۲۳۲} ^{۲۳۳} ^{۲۳۴} ^{۲۳۵} ^{۲۳۶} ^{۲۳۷} ^{۲۳۸} ^{۲۳۹} ^{۲۴۰} ^{۲۴۱} ^{۲۴۲} ^{۲۴۳} ^{۲۴۴} ^{۲۴۵} ^{۲۴۶} ^{۲۴۷} ^{۲۴۸} ^{۲۴۹} ^{۲۵۰} ^{۲۵۱} ^{۲۵۲} ^{۲۵۳} ^{۲۵۴} ^{۲۵۵} ^{۲۵۶} ^{۲۵۷} ^{۲۵۸} ^{۲۵۹} ^{۲۶۰} ^{۲۶۱} ^{۲۶۲} ^{۲۶۳} ^{۲۶۴} ^{۲۶۵} ^{۲۶۶} ^{۲۶۷} ^{۲۶۸} ^{۲۶۹} ^{۲۷۰} ^{۲۷۱} ^{۲۷۲} ^{۲۷۳} ^{۲۷۴} ^{۲۷۵} ^{۲۷۶} ^{۲۷۷} ^{۲۷۸} ^{۲۷۹} ^{۲۸۰} ^{۲۸۱} ^{۲۸۲} ^{۲۸۳} ^{۲۸۴} ^{۲۸۵} ^{۲۸۶} ^{۲۸۷} ^{۲۸۸} ^{۲۸۹} ^{۲۹۰} ^{۲۹۱} ^{۲۹۲} ^{۲۹۳} ^{۲۹۴} ^{۲۹۵} ^{۲۹۶} ^{۲۹۷} ^{۲۹۸} ^{۲۹۹} ^{۳۰۰} ^{۳۰۱} ^{۳۰۲} ^{۳۰۳} ^{۳۰۴} ^{۳۰۵} ^{۳۰۶} ^{۳۰۷} ^{۳۰۸} ^{۳۰۹} ^{۳۱۰} ^{۳۱۱} ^{۳۱۲} ^{۳۱۳} ^{۳۱۴} ^{۳۱۵} ^{۳۱۶} ^{۳۱۷} ^{۳۱۸} ^{۳۱۹} ^{۳۲۰} ^{۳۲۱} ^{۳۲۲} ^{۳۲۳} ^{۳۲۴} ^{۳۲۵} ^{۳۲۶} ^{۳۲۷} ^{۳۲۸} ^{۳۲۹} ^{۳۳۰} ^{۳۳۱} ^{۳۳۲} ^{۳۳۳} ^{۳۳۴} ^{۳۳۵} ^{۳۳۶} ^{۳۳۷} ^{۳۳۸} ^{۳۳۹} ^{۳۴۰} ^{۳۴۱} ^{۳۴۲} ^{۳۴۳} ^{۳۴۴} ^{۳۴۵} ^{۳۴۶} ^{۳۴۷} ^{۳۴۸} ^{۳۴۹} ^{۳۵۰} ^{۳۵۱} ^{۳۵۲} ^{۳۵۳} ^{۳۵۴} ^{۳۵۵} ^{۳۵۶} ^{۳۵۷} ^{۳۵۸} ^{۳۵۹} ^{۳۶۰} ^{۳۶۱} ^{۳۶۲} ^{۳۶۳} ^{۳۶۴} ^{۳۶۵} ^{۳۶۶} ^{۳۶۷} ^{۳۶۸} ^{۳۶۹} ^{۳۷۰} ^{۳۷۱} ^{۳۷۲} ^{۳۷۳} ^{۳۷۴} ^{۳۷۵} ^{۳۷۶} ^{۳۷۷} ^{۳۷۸} ^{۳۷۹} ^{۳۸۰} ^{۳۸۱} ^{۳۸۲} ^{۳۸۳} ^{۳۸۴} ^{۳۸۵} ^{۳۸۶} ^{۳۸۷} ^{۳۸۸} ^{۳۸۹} ^{۳۹۰} ^{۳۹۱} ^{۳۹۲} ^{۳۹۳} ^{۳۹۴} ^{۳۹۵} ^{۳۹۶} ^{۳۹۷} ^{۳۹۸} ^{۳۹۹} ^{۴۰۰} ^{۴۰۱} ^{۴۰۲} ^{۴۰۳} ^{۴۰۴} ^{۴۰۵} ^{۴۰۶} ^{۴۰۷} ^{۴۰۸} ^{۴۰۹} ^{۴۱۰} ^{۴۱۱} ^{۴۱۲} ^{۴۱۳} ^{۴۱۴} ^{۴۱۵} ^{۴۱۶} ^{۴۱۷} ^{۴۱۸} ^{۴۱۹} ^{۴۲۰} ^{۴۲۱} ^{۴۲۲} ^{۴۲۳} ^{۴۲۴} ^{۴۲۵} ^{۴۲۶} ^{۴۲۷} ^{۴۲۸} ^{۴۲۹} ^{۴۳۰} ^{۴۳۱} ^{۴۳۲} ^{۴۳۳} ^{۴۳۴} ^{۴۳۵} ^{۴۳۶} ^{۴۳۷} ^{۴۳۸} ^{۴۳۹} ^{۴۴۰} ^{۴۴۱} ^{۴۴۲} ^{۴۴۳} ^{۴۴۴} ^{۴۴۵} ^{۴۴۶} ^{۴۴۷} ^{۴۴۸} ^{۴۴۹} ^{۴۵۰} ^{۴۵۱} ^{۴۵۲} ^{۴۵۳} ^{۴۵۴} ^{۴۵۵} ^{۴۵۶} ^{۴۵۷} ^{۴۵۸} ^{۴۵۹} ^{۴۶۰} ^{۴۶۱} ^{۴۶۲} ^{۴۶۳} ^{۴۶۴} ^{۴۶۵} ^{۴۶۶} ^{۴۶۷} ^{۴۶۸} ^{۴۶۹} ^{۴۷۰} ^{۴۷۱} ^{۴۷۲} ^{۴۷۳} ^{۴۷۴} ^{۴۷۵} ^{۴۷۶} ^{۴۷۷} ^{۴۷۸} ^{۴۷۹} ^{۴۸۰} ^{۴۸۱} ^{۴۸۲} ^{۴۸۳} ^{۴۸۴} ^{۴۸۵} ^{۴۸۶} ^{۴۸۷} ^{۴۸۸} ^{۴۸۹} ^{۴۹۰} ^{۴۹۱} ^{۴۹۲} ^{۴۹۳} ^{۴۹۴} ^{۴۹۵} ^{۴۹۶} ^{۴۹۷} ^{۴۹۸} ^{۴۹۹} ^{۵۰۰} ^{۵۰۱} ^{۵۰۲} ^{۵۰۳} ^{۵۰۴} ^{۵۰۵} ^{۵۰۶} ^{۵۰۷} ^{۵۰۸} ^{۵۰۹} ^{۵۱۰} ^{۵۱۱} ^{۵۱۲} ^{۵۱۳} ^{۵۱۴} ^{۵۱۵} ^{۵۱۶} ^{۵۱۷} ^{۵۱۸} ^{۵۱۹} ^{۵۲۰} ^{۵۲۱} ^{۵۲۲} ^{۵۲۳} ^{۵۲۴} ^{۵۲۵} ^{۵۲۶} ^{۵۲۷} ^{۵۲۸} ^{۵۲۹} ^{۵۳۰} ^{۵۳۱} ^{۵۳۲} ^{۵۳۳} ^{۵۳۴} ^{۵۳۵} ^{۵۳۶} ^{۵۳۷} ^{۵۳۸} ^{۵۳۹} ^{۵۴۰} ^{۵۴۱} ^{۵۴۲} ^{۵۴۳} ^{۵۴۴} ^{۵۴۵} ^{۵۴۶} ^{۵۴۷} ^{۵۴۸} ^{۵۴۹} ^{۵۵۰} ^{۵۵۱} ^{۵۵۲} ^{۵۵۳} ^{۵۵۴} ^{۵۵۵} ^{۵۵۶} ^{۵۵۷} ^{۵۵۸} ^{۵۵۹} ^{۵۶۰} ^{۵۶۱} ^{۵۶۲} ^{۵۶۳} ^{۵۶۴} ^{۵۶۵} ^{۵۶۶} ^{۵۶۷} ^{۵۶۸} ^{۵۶۹} ^{۵۷۰} ^{۵۷۱} ^{۵۷۲} ^{۵۷۳} ^{۵۷۴} ^{۵۷۵} ^{۵۷۶} ^{۵۷۷} ^{۵۷۸} ^{۵۷۹} ^{۵۸۰} ^{۵۸۱} ^{۵۸۲} ^{۵۸۳} ^{۵۸۴} ^{۵۸۵} ^{۵۸۶} ^{۵۸۷} ^{۵۸۸} ^{۵۸۹} ^{۵۹۰} ^{۵۹۱} ^{۵۹۲} ^{۵۹۳} ^{۵۹۴} ^{۵۹۵} ^{۵۹۶} ^{۵۹۷} ^{۵۹۸} ^{۵۹۹} ^{۶۰۰} ^{۶۰۱} ^{۶۰۲} ^{۶۰۳} ^{۶۰۴} ^{۶۰۵} ^{۶۰۶} ^{۶۰۷} ^{۶۰۸} ^{۶۰۹} ^{۶۱۰} ^{۶۱۱} ^{۶۱۲} ^{۶۱۳} ^{۶۱۴} ^{۶۱۵} ^{۶۱۶} ^{۶۱۷} ^{۶۱۸} ^{۶۱۹} ^{۶۲۰} ^{۶۲۱} ^{۶۲۲} ^{۶۲۳} ^{۶۲۴} ^{۶۲۵} ^{۶۲۶} ^{۶۲۷} ^{۶۲۸} ^{۶۲۹} ^{۶۳۰} ^{۶۳۱} ^{۶۳۲} ^{۶۳۳} ^{۶۳۴} ^{۶۳۵} ^{۶۳۶} ^{۶۳۷} ^{۶۳۸} ^{۶۳۹} ^{۶۴۰} ^{۶۴۱} ^{۶۴۲} ^{۶۴۳} ^{۶۴۴} ^{۶۴۵} ^{۶۴۶} ^{۶۴۷} ^{۶۴۸} ^{۶۴۹} ^{۶۵۰} ^{۶۵۱} ^{۶۵۲} ^{۶۵۳} ^{۶۵۴} ^{۶۵۵} ^{۶۵۶} ^{۶۵۷} ^{۶۵۸} ^{۶۵۹} ^{۶۶۰} ^{۶۶۱} ^{۶۶۲} ^{۶۶۳} ^{۶۶۴} ^{۶۶۵} ^{۶۶۶} ^{۶۶۷} ^{۶۶۸} ^{۶۶۹} ^{۶۷۰} ^{۶۷۱} ^{۶۷۲} ^{۶۷۳} ^{۶۷۴} ^{۶۷۵} ^{۶۷۶} ^{۶۷۷} ^{۶۷۸} ^{۶۷۹} ^{۶۸۰} ^{۶۸۱} ^{۶۸۲} ^{۶۸۳} ^{۶۸۴} ^{۶۸۵} ^{۶۸۶} ^{۶۸۷} ^{۶۸۸} ^{۶۸۹} ^{۶۹۰} ^{۶۹۱} ^{۶۹۲} ^{۶۹۳} ^{۶۹۴} ^{۶۹۵} ^{۶۹۶} ^{۶۹۷} ^{۶۹۸} ^{۶۹۹} ^{۷۰۰} ^{۷۰۱} ^{۷۰۲} ^{۷۰۳} ^{۷۰۴} ^{۷۰۵} ^{۷۰۶} ^{۷۰۷} ^{۷۰۸} ^{۷۰۹} ^{۷۱۰} ^{۷۱۱} ^{۷۱۲} ^{۷۱۳} ^{۷۱۴} ^{۷۱۵} ^{۷۱۶} ^{۷۱۷} ^{۷۱۸} ^{۷۱۹} ^{۷۲۰} ^{۷۲۱} ^{۷۲۲} ^{۷۲۳} ^{۷۲۴} ^{۷۲۵} ^{۷۲۶} ^{۷۲۷} ^{۷۲۸} ^{۷۲۹} ^{۷۳۰} ^{۷۳۱} ^{۷۳۲} ^{۷۳۳} ^{۷۳۴} ^{۷۳۵} ^{۷۳۶} ^{۷۳۷} ^{۷۳۸} ^{۷۳۹} ^{۷۴۰} ^{۷۴۱} ^{۷۴۲} ^{۷۴۳} ^{۷۴۴} ^{۷۴۵} ^{۷۴۶} ^{۷۴۷} ^{۷۴۸} ^{۷۴۹} ^{۷۵۰} ^{۷۵۱} ^{۷۵۲} ^{۷۵۳} ^{۷۵۴} ^{۷۵۵} ^{۷۵۶} ^{۷۵۷} ^{۷۵۸} ^{۷۵۹} ^{۷۶۰} ^{۷۶۱} ^{۷۶۲} ^{۷۶۳} ^{۷۶۴} ^{۷۶۵} ^{۷۶۶} ^{۷۶۷} ^{۷۶۸} ^{۷۶۹} ^{۷۷۰} ^{۷۷۱} ^{۷۷۲} ^{۷۷۳} ^{۷۷۴} ^{۷۷۵} ^{۷۷۶} ^{۷۷۷} ^{۷۷۸} ^{۷۷۹} ^{۷۸۰} ^{۷۸۱} ^{۷۸۲} ^{۷۸۳} ^{۷۸۴} ^{۷۸۵} ^{۷۸۶} ^{۷۸۷} ^{۷۸۸} ^{۷۸۹} ^{۷۹۰} ^{۷۹۱} ^{۷۹۲} ^{۷۹۳} ^{۷۹۴} ^{۷۹۵} ^{۷۹۶} ^{۷۹۷} ^{۷۹۸} ^{۷۹۹} ^{۸۰۰} ^{۸۰۱} ^{۸۰۲} ^{۸۰۳} ^{۸۰۴} ^{۸۰۵} ^{۸۰۶} ^{۸۰۷} ^{۸۰۸} ^{۸۰۹} ^{۸۱۰} ^{۸۱۱} ^{۸۱۲} ^{۸۱۳} ^{۸۱۴} ^{۸۱۵} ^{۸۱۶} ^{۸۱۷} ^{۸۱۸} ^{۸۱۹} ^{۸۲۰} ^{۸۲۱} ^{۸۲۲} ^{۸۲۳} ^{۸۲۴} ^{۸۲۵} ^{۸۲۶} ^{۸۲۷} ^{۸۲۸} ^{۸۲۹} ^{۸۳۰} ^{۸۳۱} ^{۸۳۲} ^{۸۳۳} ^{۸۳۴} ^{۸۳۵} ^{۸۳۶} ^{۸۳۷} ^{۸۳۸} ^{۸۳۹} ^{۸۴۰} ^{۸۴۱} ^{۸۴۲} ^{۸۴۳} ^{۸۴۴} ^{۸۴۵} ^{۸۴۶} ^{۸۴۷} ^{۸۴۸} ^{۸۴۹} ^{۸۵۰} ^{۸۵۱} ^{۸۵۲} ^{۸۵۳} ^{۸۵۴} ^{۸۵۵} ^{۸۵۶} ^{۸۵۷} ^{۸۵۸} ^{۸۵۹} ^{۸۶۰} ^{۸۶۱} ^{۸۶۲} ^{۸۶۳} ^{۸۶۴} ^{۸۶۵} ^{۸۶۶} ^{۸۶۷} ^{۸۶۸} ^{۸۶۹} ^{۸۷۰} ^{۸۷۱} ^{۸۷۲} ^{۸۷۳} ^{۸۷۴} ^{۸۷۵} ^{۸۷۶} ^{۸۷۷} ^{۸۷۸} ^{۸۷۹} ^{۸۸۰} ^{۸۸۱} ^{۸۸۲} ^{۸۸۳} ^{۸۸۴} ^{۸۸۵} ^{۸۸۶} ^{۸۸۷} ^{۸۸۸} ^{۸۸۹} ^{۸۹۰} ^{۸۹۱} ^{۸۹۲} ^{۸۹۳} ^{۸۹۴} ^{۸۹۵} ^{۸۹۶} ^{۸۹۷} ^{۸۹۸} ^{۸۹۹} ^{۹۰۰} ^{۹۰۱} ^{۹۰۲} ^{۹۰۳} ^{۹۰۴} ^{۹۰۵} ^{۹۰۶} ^{۹۰۷} ^{۹۰۸} ^{۹۰۹} ^{۹۱۰} ^{۹۱۱} ^{۹۱۲} ^{۹۱۳} ^{۹۱۴} ^{۹۱۵} ^{۹۱۶} ^{۹۱۷} ^{۹۱۸} ^{۹۱۹} ^{۹۲۰} ^{۹۲۱} ^{۹۲۲} ^{۹۲۳} ^{۹۲۴} ^{۹۲۵} ^{۹۲۶} ^{۹۲۷} ^{۹۲۸} ^{۹۲۹} ^{۹۳۰} ^{۹۳۱} ^{۹۳۲} ^{۹۳۳} ^{۹۳۴} ^{۹۳۵} ^{۹۳۶} ^{۹۳۷} ^{۹۳۸} ^{۹۳۹} ^{۹۴۰} ^{۹۴۱} ^{۹۴۲} ^{۹۴۳} ^{۹۴۴} ^{۹۴۵} ^{۹۴۶} ^{۹۴۷} ^{۹۴۸} ^{۹۴۹} ^{۹۵۰} ^{۹۵۱} ^{۹۵۲} ^{۹۵۳} ^{۹۵۴} ^{۹۵۵} ^{۹۵۶} ^{۹۵۷} ^{۹۵۸} ^{۹۵۹} ^{۹۶۰} ^{۹۶۱} ^{۹۶۲} ^{۹۶۳} ^{۹۶۴} ^{۹۶۵} ^{۹۶۶} ^{۹۶۷} ^{۹۶۸} ^{۹۶۹} ^{۹۷۰} ^{۹۷۱} ^{۹۷۲} ^{۹۷۳} ^{۹۷۴} ^{۹۷۵} ^{۹۷۶} ^{۹۷۷} ^{۹۷۸} ^{۹۷۹} ^{۹۸۰} ^{۹۸۱} ^{۹۸۲} ^{۹۸۳} ^{۹۸۴} ^{۹۸۵} ^{۹۸۶} ^{۹۸۷} ^{۹۸۸} ^{۹۸۹} ^{۹۹۰} ^{۹۹۱} ^{۹۹۲} ^{۹۹۳} ^{۹۹۴} ^{۹۹۵} ^{۹۹۶} ^{۹۹۷} ^{۹۹۸} ^{۹۹۹} ^{۱۰۰۰}

در این جا این سؤال به ذهن می‌رسد که چه عواملی در عصر حاضر باعث شکل‌گیری
 تئوری جهانی شدن در مفهوم غربی آن شده است؟
 جهانی شدن به شکل غربی، پس از فروپاشی کمونیسم و انهزام نظام سوسیالیستی از
 داخل و بی اعتبار شدن جناح راست سستی، تحت عنوان لیبرالیسم جدید به وجود آمد و
 کشورها را زیر سیطره خود کشیده، به آزادی انتقال سرمایه و الغای موانع گمرکی و از بین
 بردن قوانین و نظاماتی که باعث جلوگیری از آزادی تجارت می‌شوند، فراخواند و همه
 این‌ها برای به دست آوردن سود بیشتر بود، هر چند حاصل غارت هرچه بیشتر کشورهای
 در حال توسعه و توسعه نیافته باشد. این روند، باعث ایجاد فاصله بین فعالیت‌های مالی و
 فعالیت‌های اقتصادی شد.
 به عنوان مثال، از کل ۱۵۰۰ میلیارد دلاری که همه روزه در بازار اقتصاد در حال گردش
 است، تنها یک درصد به ایجاد منابع درآمد و ثروت جدید اختصاص می‌یابد و ۹۹ درصد
 دیگر در بازار مضاربه در جریان است. این شکل عملیات اقتصادی، طرح لیبرالیسم نوین
 است که با منطق سرمایه‌داری ارتباطی تنگاتنگ دارد، بدین معنی که رشد و تطور
 مکانیسم‌های آن، حاصل تضاد و تناقض بین وجود آن از یک سو و تطور و تکامل آن از
 سوی دیگر است.
 در این مکانیسم، سود به دست آمده - چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی - حاصل
 انباشت آشکار ثروت و درآمد در کنار گسترش پدیده فقر و بیکاری، چه در کشورهای

متروپل و مراکز سرمایه داری و چه در کشورهای حاشیه ای است. بر خلاف آنچه ادعا می شود این شیوه، فضای اقتصاد جهانی را نه تنها به جانب همبستگی و تبادل نمی برد، بلکه سرنوشت این رابطه، چیزی جز فرو رفتن در محاق رقابت های خونین و برخوردها و جنگ های شدید تجاری و مالی نخواهد بود؛ رابطه ای که حاصل آن، قطبی شدن جهان و تعمیق هرچه بیشتر شکاف بین شمال و جنوب و شرق و غرب و شدت گرفتن مشکلات اجتماعی در همه کشورهای جهان است.

شایان تأمل است که ماهیت جهانی شدن غربی به اندازه ای که در ظاهر آن پنهان است، در نهان آن پنهان نیست، چرا که حاصل پروژه غربی مبتنی بر ایدئولوژی لیبرالیسم جدید است که نقطه اصلی نگرش نظری و عملی خود را بر ایجاد بازارهای آزاد و آزادی مطلق جابه جایی جهانی سرمایه و کالا و اطلاعات و فرهنگ، بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافی و تن دادن به محدودیت هایی به منظور کسب سود بیشتر، متمرکز کرده است. و در کنار آن برای قوام بخشیدن این مناسبات، در پی ایجاد بازار آزاد قیمت گذاری، مبادله پول و ارز و از بین بردن همه قیود دست و پاگیر از نظام های بانکی در سراسر جهان است. جنبه فرهنگی جهانی شدن از جنبه اقتصادی و سیاسی آن تاریک تر به نظر می رسد، زیرا جهانی شدن فرهنگ برای تکمیل پروژه اقتصادی و سیاسی جهانی شدن سرمایه، ایجاد غلبه و سیطره فرهنگ خاص سرمایه داری بر سایر فرهنگ ها را دنبال می کند.

این حرکت با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی پیشرفته و در اختیار داشتن امپراتوری های عظیم تبلیغاتی، فرهنگ بازار و مصرف را به وسیله صدا، تصویر، ادبیات و کتاب تبلیغ می کند و برای ایجاد معیارهای جدید می کوشد با بالا بردن حجم منافع شخصی و فردگرایی و تشدید امیال مادی و غریزی خالی از هرگونه محتوای انسانی، تسلط و گسترش خویش را توجیه کند. بدین گونه می بینیم جهانی شدن فرهنگ غربی به عنوان ایدئولوژی که منعکس کننده اراده ای است که مایل است بر همه جهان حکومت

کند؛ فرهنگ در هم شکستن حریم‌ها، عادی سازی ارتباط با سلطه و گسترش پذیرش پیروی از قواعد جمع زیستی تحمیل شده از طرف نظام سرمایه داری است که تمام هدف جهانی شدن فرهنگی را شکل می‌دهد. این نوع جهانی شدن نخستین هدف خود را از بین بردن هویت‌های فرهنگی ملی و مستقل، قرار داده است و بدین ترتیب از یک سو با ایجاد تفرقه و از سوی دیگر با ادعای آنچه خود مرگ ایدئولوژی‌ها می‌نامد، در پی توجیه شکل جدید سیطره جهانی است.

از زمانی که جنبش جهانی شدن آغاز گردیده، سؤال بسیار مهم دیگری نیز در کنار آن مطرح شده است و آن این که: جنبش جهانی شدن چه کسی یا کسانی از این گونه جهانی شدن بهره می‌برند؟ و جواب این است که: جهانی شدن به غیر از این که وسیله‌ای است برای حل بحران‌های سرمایه‌داری معاصر و پوششی است برای برنامه‌های ایالات متحده آمریکا در جهت سلطه بر جهان، قاعدتاً باید منافع دیگری برای کسان دیگری و از جهانی دیگری نیز در بر داشته باشد تا بتواند توافق عمومی صاحبان دیگر حیطه‌های قدرت را نیز به دست آورد. اندکی تعمق در این موضوع ما را به این نتیجه می‌رساند که در این مسأله افراد ذی‌نفع دیگری نیز وجود دارند. شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های مافیایی و جنبش‌های صهیونیستی نیز بنی‌گمان از متفعین جهانی شدن غربی و آثار مالی و اقتصادی، و فرهنگی و سیاسی آن هستند. بنابراین، شرکت‌های چند ملیتی مایلند که همه جهان حیطه‌ای باز برای فعالیت آن‌ها باشد و می‌خواهند هرگاه اراده کردند بتوانند همراه با سرمایه و کالاهای خود به کشورهای مختلف جهان وارد شوند و هرگاه که منافعشان اقتضا نمود از آن‌ها خارج گردند و هیچ قید و بند و مرزی آن‌ها را محدود نکند. این مسأله به روشنی در پیگیری گفتگوهایی که در سال ۱۹۹۴ م. به امضای معاهده گات و برپایی سازمان تجارت جهانی و مصوبات آن در نشست نهایی نمایندگان شرکت‌های چند ملیتی در اروگوئه انجامید، دیده

می‌شود که نقش تعیین‌کننده نمایندگان شرکت‌های چند ملیتی در به تصویب رساندن این توافقنامه چشمگیر است.

بی‌شک باز شدن بازارها و آزادی جابه‌جایی سرمایه برای تشکلهای مافیایی اهمیت ویژه‌ای دارد، اگر چه این مهم به هزینه دیگران به سامان برسد، چرا که مافیا نیز در حاکمیت قوانین و مقررات جهانی شدن غربی دارای منافع است.

در این جا لازم است به گزارش رشد و توسعه منابع انسانی سال ۱۹۹۹ م. اشاره شود. قسمتی از این گزارش به نقش جهانی شدن غربی در گسترش جرایم سازمان یافته می‌پردازد و این که این مناسبات فرصت‌های جدید و تحریک‌کننده‌ای را برای جنایتکاران و مجرمان بین‌المللی از طریق انتقال سرمایه و کاهش موانع تجارت بین‌المللی به وجود آورده است. همچنین به هم ریختگی ناشی از فروپاشی اقتصادی که مسبب آن شرکت‌های چند ملیتی و روند کنونی جهانی شدن است، انبوهی از بیکاران دارای تخصص و شایستگی‌های خاص را به وجود آورده است.

پرواضح است اگر وضع به همین منوال پیش برود شاهد آینده‌ای تاریک خواهیم بود؛ آینده‌ای که تصویری از وحشی‌گری‌های سرمایه داری در آغاز راه آن چهره خواهد نمود. بدین ترتیب در این کتاب می‌بینیم که آیه‌الله العظمی شیرازی نقطه شروع نقد خود را از

جهانی شدن غربی، بر این اساس می‌گذارد و اشاره می‌کند که در سایه جهانی شدن غربی تنها ۲۰ درصد از ساکنان زمین خواهند توانست به زندگی مطلوب و رفاه و امنیت دست یابند و ۸۰ درصد مابقی (طبقه متوسط و کارگران) کسانی خواهند بود که از نظر طراحان جهانی شدن اصولاً شاید نیازی به وجود آنها نباشد.

در مقابل نابسامانی به وجود آمده در شرایط زندگی طبقه متوسط و کارگران و دیگر قشرهای کم در آمد جامعه، ایشان تأکید می‌کنند: این گونه جهانی شدن چیزی نیست جز نتیجه قطعی سیاست‌های آگاهانه حکومت‌ها و مجالس مقتنه‌ای که با وضع قوانین خاص

در پی اجرای سیاست‌های لیبرالیسم جدید جهانی هستند؛ قوانینی که با الغای محدودیت‌های حرکت و نقل و انتقال جهانی سرمایه، همه آنچه را طبقه متوسط و کارگران تا کنون به دست آورده بودند از بین برده؛ و خواهد برد؛ و سیاست‌هایی که در نهایت به امضای موافقت‌نامه گات و اعمال مجازات و محدودیت‌های اقتصادی بر ضد کسانی انجامید که به سیاست تجارت آزاد تن نمی‌دهند. نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که بر خلاف آنچه تبلیغ می‌شود این مناسبات جهانی شدن، محتومیتی تاریخی نیست که نتوان از آن اجتناب ورزید، بلکه در پشت همه آن‌ها سیاست‌های طراحی شده هوشمندانه‌ای است که هدف آن‌ها از پیش تعیین شده؛ سیاست‌هایی که در پی برآوردن منافع شرکت‌های چند ملیتی هستند. از مسائل ارزشمند دیگری که ایشان در این کتاب مطرح کرده‌اند و دلالت بر دقت فهم‌شان دارد، تحلیل شرایطی است که جهان ما در آن فرو رفته است. ایشان معتقدند که گسترش جهانی شدن بر معضل انباشت ثروت خواهد افزود و اختلاف میان ملتها به نقطه‌ای خواهد رسید که تاکنون تصویری از آن وجود نداشته است. تا آن جا که هم اکنون ۳۵۸ میلیارد در جهان، ثروتی معادل دارایی ۲/۵ میلیارد از ساکنان زمین، یعنی تقریباً نیمی از جمعیت کره خاکی را در اختیار دارند؛ ۲۰ درصد از کشورهای جهان صاحب ۸۵ درصد از کل تولید ناخالص جهان، و ۸۴ درصد از تجارت و ۸۵ درصد از مجموع پس انداز جهانی هستند. این تفاوت فاحش در میان ملت‌ها به موازات اختلافات طبقاتی عمیق و تفاوت‌های فاحش دیگر در داخل محدوده‌های ملی است، آن‌گونه که گروه اندکی قسمت اعظم ثروت ملی هر کشوری را به خود اختصاص داده و اکثر مردم را به خاشیه رانده‌اند. ایشان با تفصیل نظریه خود در مورد این‌گونه جهانی شدن، به نزاع بین محققین و متفکرین با تحلیل دقیق خود از این پدیده نو ظهور پایان می‌دهد، آن‌جا که می‌نویسد: «تمدنی که غرب مبتکر آن بوده است صلاحیت ساختن آینده را ندارد؛ آینده جوامعی که

قادر به رشد و هماهنگی با فطرت انسانی و محیط اطراف که انسان در آن زندگی می‌کند باشند و بتوانند به حیات خود ادامه دهند و عدالت و توزیع عادلانه ثروت و درآمد در آن جوامع تحقق یابد.

.. به اعتقاد ایشان، تبلیغات افراطی برای این گونه تمدن، جنگ سرد و تبلیغاتی غرب برای آماده‌سازی اذهان در جهت تحقق بخشیدن به حادثه و فاجعه‌ای عظیم و تاریخی با ابعاد جهانی است که در شرف تکوین است و در آن رشد و آسایش از بین خواهد رفت و نابسامانی اقتصادی، نابودی محیط زیست و انحطاط فرهنگی از شاخصه‌های اصلی آن خواهد بود؛ حادثه‌ای که غرب با الگوسازی و به نام جهانی شدن در پی تحمیل آن بر بشریت است.

* ایشان مسأله بسیار مهم دیگری را نیز در کنار این مسائل مطرح می‌کند؛ مسأله‌ای که ارتباطی تنگاتنگ با جهانی شدن غربی دارد. وی حقیقتی را مطرح می‌کند که بسیاری از محققان غربی و سیاستمداران از کنار آن به راحتی می‌گذرند یا درباره آثار مترتب بر آن تغافل می‌کنند و آن، مسأله رشد روزافزون بیکاری و در کنار آن، کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان و گسترش دامنه محرومیت و شمار محرومان است. حرص بیش از حد برای کسب سودهای سرسام‌آور که تنها در بازارهای پولی و مالی و برای عده اندکی حاصل می‌شود، فضایی از مبارزه و رقابت را برای پایین آوردن هزینه‌های تولید ایجاد کرده است که فشار اصلی و ضرر این رقابت را فقط طبقه کارگران و عناصر انسانی دخیل در تولید، با کاهش روزافزون دستمزدها متحمل می‌شوند.

مؤلف گرانمایه، این نکته را به دقت روشن می‌کند که این مسأله، تنها به کسانی که شغل خود را به سبب جانشینی و مسائل مدرن تولید از دست می‌دهند ختم نمی‌شود، بلکه حیطه آن، طبقه متوسط و کسانی را نیز در بر می‌گیرد که در مدیریت بازسازی نیروی انسانی و امور خدمات مشغول به کارند.

سیستمهای کامپیوتری، جانشین هزاران عنوان از مشاغل طبقه متوسط مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صنایع سنگین مثل صنایع فولاد، اتومبیل‌سازی، صنایع شیمیایی و داروسازی، ساخت تجهیزات الکترونیکی و حیطه‌های دیگر صنعتی، همگی به سرعت به تسخیر نرم‌افزارهای کامپیوتری و ربات‌ها در می‌آیند و در واقع این پدیده در حکم قربانگاه نیروی کار است.

آیه الله العظمی شیرازی افزون بر آنچه بیان شد ارتباط بین دموکراسی و بازار را مورد کندوکاو قرار می‌دهند؛ همان چیزی است که مروجین برپاداری جهانی شدن غربی آن را ارتباطی تنگاتنگ می‌دانند و این‌گونه تبلیغ می‌کنند که بین دموکراسی و بازار آزاد ارتباطی ناگسستنی وجود دارد و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا نمود و می‌گویند: دموکراسی تکیه بر بازار دارد، همان‌گونه که اقتصاد نیازمند دموکراسی است. اما وی معتقد است که سیستم بازار آزاد و نظام دموکراسی همیشه به عنوان مکمل یکدیگر و دو رکن متلازم نیستند که الزاماً برای جامعه رفاه به همراه آورند، بلکه آنچه به حقیقت نزدیک‌تر است این که در سایه جهانی شدن غربی بین دموکراسی که قاعده آن تأمین منافع اکثریت است و منافع برخی افراد و بازار آزاد، تعارض وجود دارد و نظامی که هم اکنون در سرزمین‌های بسیاری با تکیه بر سیاست‌های لیبرالیسم جدید حکومت می‌کند همان تئوری است که جهانی شدن بر آن تکیه دارد. به یک سخن دموکراسی‌ای که امروز امپراتوری‌های رسانه‌ای از آن تبلیغ می‌کنند، نظامی است که در آن از منافع ثروتمندان و غول‌های اقتصادی دفاع می‌شود و کارگران و طبقه متوسط هیچ جایگاهی در این نظام ندارند و ابزارهایی هستند در جهت تأمین منافع سرمایه داری و سرمایه داران. هر چه باشد آنچه امروز شاهد آنیم حرکت مستمر به سوی کاهش دستمزدها و زیاد شدن ساعات کار و کاهش کمک‌های دولتی است و همان‌گونه که آیه الله العظمی شیرازی اشاره می‌کنند، دموکراسی واقعی زمانی تحقق می‌یابد که امنیت مردم در مقابل بلایایی چون فقر و بیماری

و بیکاری تضمین شود و اگر ثبات و پیشرفت در زندگی مردم مستحق نگردد خطر حاکمیت نظام‌های سلطه‌گر و جبار همچنان باقی می‌ماند و مردم همچنان قربانی نظام سلطه خواهند بود.

از نظر ایشان دموکراسی جهانی موجود که به طور مطلق به نفع ثروتمندان و برای تأمین منافع آن‌ها ایجاد شده، در حال حاضر مسئول پیدایش بسیاری از درگیری‌ها و بحران‌های رو به تزاید در نقاط مختلف جهان است.

این صحیح است که توسعه و رشد بازارهای جهانی و آزادی تجارت و تضمین نقل و انتقال آزاد کالا و سرمایه، بدون وجود موانع، بر درآمد ملی کشورهای صنعتی و توسعه یافته می‌افزاید، لیکن با نبود قوانین اسلامی، همین سود نیز در آن کشورها به صورت عادلانه توزیع نمی‌شود. به همین دلیل ایشان تأکید می‌کنند که چرخ مناسبات جهانی شدن، تنها با تعاون اجتماعی و تشکیل بیت‌المال و ایجاد فرصت‌های شغلی برای همه و آزادی‌های مشروع اقتصادی - که حراست از آن‌ها وظیفه دولت است - به طور صحیح پیش می‌رود. لذا ایشان وجود نظام حکومتی‌ای را که از این تعاون و پیوستگی متقابل حراست و حمایت کند، تضمینی برای ادامه پشتیبانی وسیعی که هنوز در مردم کشورهای صنعتی از نظام بازار آزاد دیده می‌شود، می‌داند.

بنابراین لازم است اشکال مختلف مبارزه کنونی برای تحقق دموکراسی بر ضد نظام دیکتاتوری بازار و برنامه‌های احزاب غربی را از نظر دور نداریم؛ احزابی که از بین بردن دولت رفاه و تعاون اجتماعی را دنبال می‌کنند. امروز میلیون‌ها انسان به شیوه‌های مختلف خواستار توقف فعالیت جنون‌آمیز بازار جهانی و به حساب آوردن انسانیت انسان و جمایت از محیط زیست و عدالت اجتماعی هستند.

به هر حال با وجود امواج نقدی که آیه الله العظمی شیرازی در این کتاب بر ضد هرج و مرج جهانی شدن غربی و طغیان ویرانگر آن علیه عدالت و ثبات اجتماعی و از بین بردن

محیط زیست، برمی‌انگیزد، همزمان بر طرح مجدد دولت رفاه - البته به شکل اسلامی آن - تأکید می‌کنند. از مسائلی که ایشان طرح می‌کنند روشن است که این اندیشه، اجازه تشکیل جامعه بیست درصدی را نخواهد داد و در پی ایجاد عدالت و ثبات اجتماعی و حمایت از محیط زیست است.

۹. از این رو بر ما مسلمانان است که به خطرهای جهانی شدن غربی و زبان‌های ناشی از سیطره اروپا و آمریکا بر مناسباتی که به نام جهانی شدن معاصر در حال شکل‌گیری است، آگاه باشیم؛ مناسباتی که از نظر آیه‌الله العظمی شیرازی تنها به خود می‌اندیشد و از زاویه مادی صرف به جهان می‌نگرد و برای نابودی اسلام و مسلمین برنامه‌ریزی می‌کند؛ زیرا اسلام و مسلمانان را دعوت کنندگان به آن نوع از جهانی شدن می‌بینند که بر اساس سلطه و استثمار و استبداد و استضعاف بنا نمی‌شود، بلکه سنگ بنای آن تمدن جهانی بر اساس رشد و شکوفایی و تکیه بر ارزش‌های انسانی، عدالت، مهر ورزیدن، تعاون، ارتباط و مبارزه عادلانه و استمرار پیوندهای اجتماعی است. لذا جهانی‌شدنی که دین توحیدی اسلام از آن سخن می‌گوید، بصورت یکی از نیازهای ضروری و اجتناب‌ناپذیر این روزگار درآمده است.

آیه‌الله شیرازی تصریح می‌کند: صدور فرهنگ و اطلاعات، هنر، علوم و تکنولوژی و صدور مواد خام اولیه هیچ اختلافی با دیگر حوزه‌های تجارت ندارند و هر حیطه‌ای شیوه‌های خاصی دارد و همچنین بخش‌هایی که از نظر اسلام نامشروع و غیر قابل ورود و حرام است، و باید قواعد و قوانین و حیطه‌های غیر شرعی و حرام را در آن‌ها مشخص نمود تا از آن‌ها اجتناب شود یا آن محدوده‌ها در چارچوب حلال و جائز، تعدیل شوند؛ چرا که جهانی شدن در مفهوم غربی آن، اهدافی غیر انسانی و غیر اخلاقی دارد و اندیشه حاکم بر آن، افزون بر کسب سود مادی که از استثمار دیگران حاصل می‌شود، بر تهاجم فرهنگی پایه‌گذاری شده است.

ایشان مجدداً بر این امر تأکید دارد که جهانی شدن غربی به رغم صفت جهانی‌اش و استفاده از امکانات فراوان و توسعه دائم و توسعه طلبی مستمر آن، سرنوشتی محتوم نیست که هیچ راه گریزی از آن فرا زوی کشورهای جهان سوم و یا جهان اسلام وجود نداشته باشد، بلکه این امر به میزان زیادی به عملکرد مسلمانان و چگونگی برخوردشان با این چالش تاریخی بستگی دارد. تجاهل و چشم فرو بستن یا تنها اکتفا به طرد آنچه در اطراف ما می‌گذرد برای ما مفید و کارآمد نیست و به همین دلیل است که آیه الله العظمی شیرازی در این مقام مسلمانان را به تمسک به اندیشه جهانی شدن اسلامی و عناصر نظری و عملی آن دعوت می‌کند؛ مسیری که با نظریه پردازی آغاز و با تبلیغ معطوف به عمل ادامه می‌یابد. در این مسیر بر ماست که به عنوان مسلمان با اعتماد به نفس، بر حفظ ارزش‌ها و اعتقادات خود پای بفشاریم و دیگران حتی مردم مغرب زمین را نیز به این راه دعوت کنیم.

در پایان لازم است با تأکید بر حقایقی که در پی می‌آید مواضع و جایگاه مسلمانان را در برابر این پدیده جدید که نام جهانی شدن بر آن نهاده شده است، روشن کنیم:

اول: نظام و مناسبات جدید جهانی و جهانی شدن غربی فراورده‌ای آمریکایی است که از مدت‌ها قبل استراتژی آن تدوین شده و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خالی شدن صحنه برای بازیگران آمریکایی، به حیطه عمل و اجرا وارد شده است. بی تردید این نظام صلاحیت راهبری بشر را ندارد، چرا که انسان به عنوان انسان، محور اصلی آن نیست، در حالی که با قاطعیت هر چه تمام‌تر باید گفته شود یگانه راهی که مصلحت انسان در گزینش آن است، همان جهانی شدن توحیدی است که وجه تمایز آن، تقدم حقوق انسان بر هر چیز دیگری است و شاخصه اصلی آن - به نظر آیه الله العظمی شیرازی (علیه السلام) - جمع بین رشد و توسعه، و اخلاق و عدالت است.

به همین دلیل حاکمیت مطلق بازار بر مناسبات جهانی، بدون محور قرار گرفتن

ارزش‌ها و حقوق و کرامت انسانی را رد می‌کنیم و نمی‌پذیریم. دوم: این نظریه که می‌گوید جامعه دارای اطلاعات و متکی بر ابزار پیشرفته جدید به زودی و به تنهایی بیماری‌های اجتماعی معاصر را معالجه خواهد کرد و بر عقیب‌ماندگی هولناک موجود چیره خواهد شد، نظری دور از واقعیت است. همچنین این تصور برخی افراد اقلیت ثروتمند، که در آینده نزدیک و با نظم کامپیوتری به گونه‌ای سحرآمیز از ورای نسل‌ها و سالیان محرومیت متراکم، خواهند توانست همه مشکلات را حل کنند، اندیشه ناصحیحی است که با واقعیت موجود در جهان، به ویژه در جهان سوم متباین است؛ جهانی که امروز آکنده از فقیران و محرومان و تیره‌بختان است. شیوه عمل اینان نیز خود جای تأمل بسیار دارد، زیرا سیاستی که بدون رعایت اصول و قوانین انسانی و اسلامی و تنها با تکیه بر زور و قهر در پی گشودن بازارهای جهانی است، نمی‌تواند پیمانی حل معضلات و مشکلاتی باشد که بشر معاصر با آن دست به گریبان است.

جهانی‌شدنی که امروز باید در عرصه مناسبات انسانی مطرح شود، جهانی‌شدنی است که تضمین‌کننده رهایی و نجات واقعی بشر در ابعاد گوناگون انسانی و معنوی باشد. تحقق این جهانی‌شدن تنها در سایه حکمت متعالی اسلام که همه نیازهای فطری و مادی و معنوی بشر را بر می‌آورد و به حقوق مشروع انسان‌ها احترام می‌گذارد و در پی گسترش عدالت و قسط در عالم است، تحقق‌پذیر است. سوم: تصدیق این گزاره و ادعا که: «نظام جدیدی که جهانی‌شدن غربی زاییده آن است، در پی تحقق بخشیدن به عدالت و مساوات در میان همه ملت‌های عالم است و هدف اول آن تضمین حقوق و پاسداری از کرامت انسانی و حل منازعات بین‌المللی است» ممکن نیست؛ زیرا آنچه گفته و شنیده می‌شود برخلاف آن چیزی است که اتفاق افتاده و در حال وقوع است. ایالات متحده آمریکا، دولتی است که نظام جدید جهانی را راهبری می‌کند و مناسبات جهانی‌شدن را به جلو می‌راند، وجود مسئولیت

بسیاری از جنایات و نقض حقوق بشر را در عالم برعهده دارد. بنابراین جهانی شدنی که اسلام آن را آرمان خود می داند، نظامی است که در چارچوب حقوق بشر، به باز شدن درها بر روی دیگران و داد و ستد با ایشان دعوت می نماید و به پای بندی به معاهدات جامعه جهانی برای وصول به اهداف مشخص با تبیین مفاهیم معین، در مقابل التزاماتی که همه آن ها را می پذیرند، امر می کند و مشارکت و تعاون بین المللی و جلوگیری از نقض حقوق بشر و همچنین پای بندی به مفاهیم و اصولی که جامعه بین المللی آن ها را در لایه لای بیش از یکصد توافق نامه و معاهده و اعلامیه رسمی و بیانه بین المللی مشخص نموده و در آن، حقوق بشر به عنوان مجموعه ای تفکیک ناپذیر تبیین گشته است، را از همه می خواهد؛ همان حقوقی که اسلام از بدو تأسیس آن را اعلام کرده است.

چهارم: تکنولوژی جدید، شور و هیجان بسیاری ایجاد کرده، چنان که پیش بینی های غیر کارشناسانه و غیر علمی فراوانی نیز در مورد فواید و کارکردهای مفید و گسترده اجتماعی آن بیان شده است. از جمله گفته می شود به کارگیری ابزار الکترونیکی جدید، همزمان کمیت و کیفیت و سرعت در به دست آوردن اخبار و اطلاعات را برای ما فراهم کرده است و بدین ترتیب فاصله جغرافیایی را کاسته و عامل کم شدن شکاف و فاصله بین شمال و جنوب و فقیر و غنی خواهد گشت. اما در واقع، امر به گونه دیگری است و دقیقاً عکس آن چیزی است که منادیان جهانی شدن ادعا می کنند، زیرا شکاف و فاصله بین دارا و ندار و بین کسانی که قادر به استفاده از تکنولوژی اطلاعات و برخوردار از آن هستند و آن ها که چنین توانی ندارند، در سطح ملی و منطقه ای و بین المللی در حال عمیق شدن و وسعت گرفتن روز افزون است.

و هنگامی که به عمق این شکاف علمی و تکنولوژیک اعتراف می کنیم، نخواهیم توانست جوانب و آثار مترتب بر آن و بیماری های گوناگون و خطرناکی را که خارج از

حیطه کنترل ما و زاینده این اختلاف است انکار کنیم، و آنچه امروزه رُخ نموده است تجاوزات هولناکی است که بر فرهنگ ما و خصوصی ترین حریمهای شخصی ما نفوذ کرده و موجب شکسته شدن حرمت‌هایی شده است که تا کنون هرگز این گونه نقض نگردیده بود.

پنجم: بنا بر آنچه گذشت جهان امروز نیازی جدی به طرحی جهانی دارد که مبتنی بر عدالت و انسانیت باشد؛ طرحی که همه ملت‌ها بر آن توافق کنند و پیرامون آن گرد آیند و همه انسان‌ها با محور قرار دادن آن به وحدت دست یابند؛ وحدتی که عین کثرت باشد و قانونی داشته باشند که تمایزهای تعیین کننده هویت و اصالت هر ملتی را تضمین و تأمین کند. این طرح و قانون باید با تکیه بر مساوات بنا شود تا بتواند به اهداف اساسی خود که همان تحقق عدالت و امنیت و صلح و پیشرفت برای همه بشر است، دست یابد و از مدیریتی کارآمد برای اداره امور مشترک خود برخوردار باشد.

لذا بهترین نظام غایی - طبق نظر آیه الله العظمی شیرازی - که این طرح باید اصل وجود خود را بر موجودیت آن متمرکز کند، نظامی است که منشور ملل متحد نیز از پرتو آن بهره برده است و آن، نظامی است که اسلام آورده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام آن را ابلاغ کرده اند؛ نظامی فراگیر و کامل، که قادر است نیازهای انسان را برآورد و با احترام به حقوق مشروع او عدالت و قسط و برابری را در جهان بگستراند.

مرکز مطالعات و تحقیقات آیه الله العظمی شیرازی
بیروت، لبنان

۱۴۲۳ هـ ق

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين

خداوند بزرگ اسلام را تشریع کرد و نیازهای سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، جهانی و دیگر نیازهای انسان را در آن گنجانید و بدین ترتیب این دین را از دیگر ادیان، با امتیازاتی بی شمار، متمایز نمود.

مهم ترین وجوه افتراق و امتیاز این دین، توجه به انسان است تا جایی که او را محور همه وجود می نامد و همه هستی را مسخر وی می داند و او را برای اجرای احکام و پذیرش مسؤولیت، مخاطب خود قرار می دهد. خدای متعال در این دین دو بُعد روح و جسم را به صورت توأمان برای انسان در نظر گرفته و قرار داده است.

در مقابل این نگرش به انسان و جایگاه او، نگرش متفاوت غرب است که پدیده های این جهان را با نگاه مادی محض می نگرد و انسان را محور هستی به حساب نمی آورد، لذا جهانی شدنی که نوید آن را می دهد خالی از معنویات و اهتمام نسبت به انسان است.

فلسفه جهانی شدن را بر محور اقتصاد بنا می گذارد و رشد و توسعه را تنها برای گروهی از مردم می خواهد؛ اگر چه این گونه رشد و توسعه به قیمت از بین رفتن سعادت و نابودی حیات انسان باشد. به همین دلیل است که فلسفه این «جهانی شدن» و روند این «جهانی

سازی نظریه‌ای ناقص و ناکارآمد و حرکتی عیب‌ناک و در نهایت محکوم به شکست است. رشد و توسعه از این منظر فقط برای گروهی و در جهت زیان دیگران است؛ آن‌هایی که امروز اکثریت مردم کره زمین را تشکیل می‌دهند. در این جهانی شدن اثری از عدالت و اخلاق و ارزش‌های انسانی یافت نمی‌شود و به همین دلیل است که برخلاف ادعای نظریه‌پردازان و مجریان آن، نتیجه‌ای جز فقر و حرمان و جهل و بیماری و جنگ و ویرانی نداشته است و از این پس نیز نخواهد داشت. میلیون‌ها گرسنه و بیمار، میلیون‌ها بی‌سواد و معلول و میلیون‌ها رانده شده و آواره و بی‌خانمان، حاصل مادیت‌محکم بر غرب و محصول جهانی شدن غارت‌گری و استعمار است.

اسلام نگرشی همه‌جانبه به جهانی شدن دارد و نیازهای مادی و معنوی انسان را لحاظ داشته، انسان را محور وجود می‌داند و بین رشد و توسعه و عدالت و اخلاق پیوندی ناگسستنی قائل است، آن‌سان که تحقق هیچ یک را بدون دیگری ممکن نمی‌داند. از آن رو این کتاب را نگاشتم تا چشم‌اندازی روشن از جهانی شدن باشد، به این امید که مقبول درگاه حق تعالی افتد، که یاری دهنده مطلق، تنها اوست.

قم مقدسه

محمد شیرازی